



تقابل سیاست خارجی ایران و عربستان در بحران یمن با روش سازه انگارانه

روح اله تیموری*^۱
حسن عبدالله زاده^۲
محمد آگاه^۳

چکیده

می توان گفت با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و نگاهی که جمهوری اسلامی به مسئله اسلام، شیعه و روابط بین الملل داشت و خود را سردمدار مبارزه با نظام سلطه تعریف می کرد، از دیدگاه مقامات دولت سعودی انقلاب اسلامی یک نوع تهدید بود که منافع دولت های سنی منطقه را به خطر می انداخت. و باید به هر نحوی این خطر رفع شود. لذا تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و کمک به عراق در جنگ با ایران در راستای همین سیاست مقامات سعودی بود. یکی از مناطقی که می توان در آن تقابل سیاست ایران و عربستان را در آن مشاهده کرد یمن است. و نگاه متفاوت ایران و عربستان به جنبش شیعیان حوثی باعث واکنش های متفاوت این دو کشور شده است. که عربستان خود را حامی دولت یمن در برابر شیعیان حوثی تعریف کند. و از آن بر ایران خود را متعهد به حمایت از حوثیان می داند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از چارچوب نظری سازه انگاری به بررسی نقش عوامل مادی و انگاره ها و هنجارهای دخیل در تقابل سیاست ایران و عربستان در یمن می پردازیم. ایران با توجه به الگوی حمایت از محرومین در اولویت های سیاست خارجی خود و همچنین حمایت از جنبش های شیعی از حوثیان در برابر عربستان دفاع می کند تا بتواند یک بال دیگر نظیر حزب الله در منطقه استراتژیک یمن و نزدیک مرزهای عربستان ایجاد کند. از طرف دیگر عربستان با توجه به اینکه یمن خط مقدم مبارزه با ایران است، مبارزه شدیدی علیه حوثیان در یمن شروع کرده است.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، یمن، شیعیان حوثی، سازه انگاری

^۱. هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور تهران. (نویسنده مسئول).

rtteymoori@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

^۳. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

طرح مساله

علی رغم اختلافاتی که ایران و عربستان در زمان پهلوی دوم داشتند، ولی با توجه به نزدیکی این دو کشور به ایالات متحده و همچنین رقابت ایدئولوژیک آمریکا و شوروی در عرصه جنگ سرد، ایجاد سیاست دو ستونی نیکسون - کسینجر بر محوریت دو کشور مذکور باعث نزدیکی آن‌ها به هم شد. ولی این وضعیت با پیروزی انقلاب اسلامی کاملاً تغییر کرد. زیرا انقلاب اسلامی مدعی دین سیاسی بود؛ در واقع انقلابی در ایران پیروز شده بود که همانند عربستان این دیدگاه را مطرح می‌کرد که سیاست با دین عجین است ولی با ایدئولوژی شیعی؛ که همین مساله باعث ترس عربستان و رژیم‌های عربی منطقه می‌شد. به طوری که تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در همان پیروزی انقلاب اسلامی توسط کشورهای حاشیه نشین خلیج فارس برای کنترل و حفاظت در برابر خطرات انقلاب ایران تشکیل شد.

با شکل‌گیری جنگ ایران و عراق، عربستان و دیگر کشورهای عربی منطقه با توجه به همین سیاست - محدود کردن ویروس انقلاب ایران - سیل کمک‌های خود را به عراق شروع کردند تا عراق با خیالی آسوده با این پول‌ها دست به خرید اسلحه و جنگ افراز از رژیم‌های غربی و شرقی بزند. می‌توان گفت ساختار سیاسی شیعه ایران با محوریت ولایت فقیه و حمایت از جنبش‌های اسلامی در سراسر دنیا و مبارزه‌ای که نظام جمهوری اسلامی در برابر غرب که آن را نظام سلطه می‌نامید؛ کاملاً در تقابل با ساختار سیاسی وهابیت با محوریت پادشاهی بود که در سیاست خارجی نزدیکی با غرب را اتخاذ کرده بود. که در دهه اول انقلاب اوج این تنش را شاهد هستیم و مثال عینی آن کشتار حجاج ایرانی توسط ماموران سعودی را می‌توان نام برد.

می‌توان گفت در دولت سازندگی تا حدی تنش‌ها کاهش پیدا کرد، و دیدگاه ایران و عربستان تا حدی به هم نزدیک شد. که همین روند در دولت خاتمی نیز ادامه پیدا کرد. ولی نکته حائز اهمیت این است که با روند تغییرات در کشورهای شمال آفریقا تونس، مصر و لیبی و سرایت این موج به یمن و اختلافاتی که دولت علی عبدالله صالح با شیعیان منطقه صعده داشت و در طرف مقابل با توجه به اینکه دولت سعودی عربستان یمن را حیات خلوت خود تعریف می‌کرد؛ و از آن مهم‌تر وجود نقطه استراتژیک باب‌المندب باعث شد که عربستان ناامنی در یمن را به عنوان ناامنی در عربستان تعریف کند. لذا سوالی که در این پژوهش ما به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که علل تقابل و رویارویی ایران و عربستان در مسئله یمن به چه عواملی بستگی دارد؟ و در پاسخ به سؤال فرضیه خود را اینگونه تعریف می‌کنیم، عوامل ژئوپلیتیک، عقیدتی و شاخصهای ذهنی (دیدگاه و تصور رهبران ایران و عربستان در منطقه) باعث تقابل در سیاست خارجی این دو کشور در یمن شده است.

در این فرضیه تقابل ایران و عربستان در یمن متغیر وابسته و عوامل ژئوپلیتیک، عقیدتی و شاخص‌های ذهنی متغیر مستقل است. علی‌رغم تحقیقات بسیاری که در زمینه روابط ایران و عربستان در خاورمیانه انجام شده، هیچ کدام از پژوهش‌ها به طور خاص به مساله یمن و شیعیان حوثی نپرداخته است. لذا این پژوهش به دنبال این است با تکیه بر یمن، شیعیان زیدی و جنبش شیعیان حوثی به تقابل ایران و عربستان بپردازد.

در این پژوهش نگارندگان به دنبال این هدف هستند که با شناخت نقاط اختلاف در مسئله ایران و عربستان در یمن؛ به شناخت درستی از جایگاه یمن و علی‌الخصوص جنبش حوثیان و جبهه انصارالله در سیاست خارجی ایران برسند.

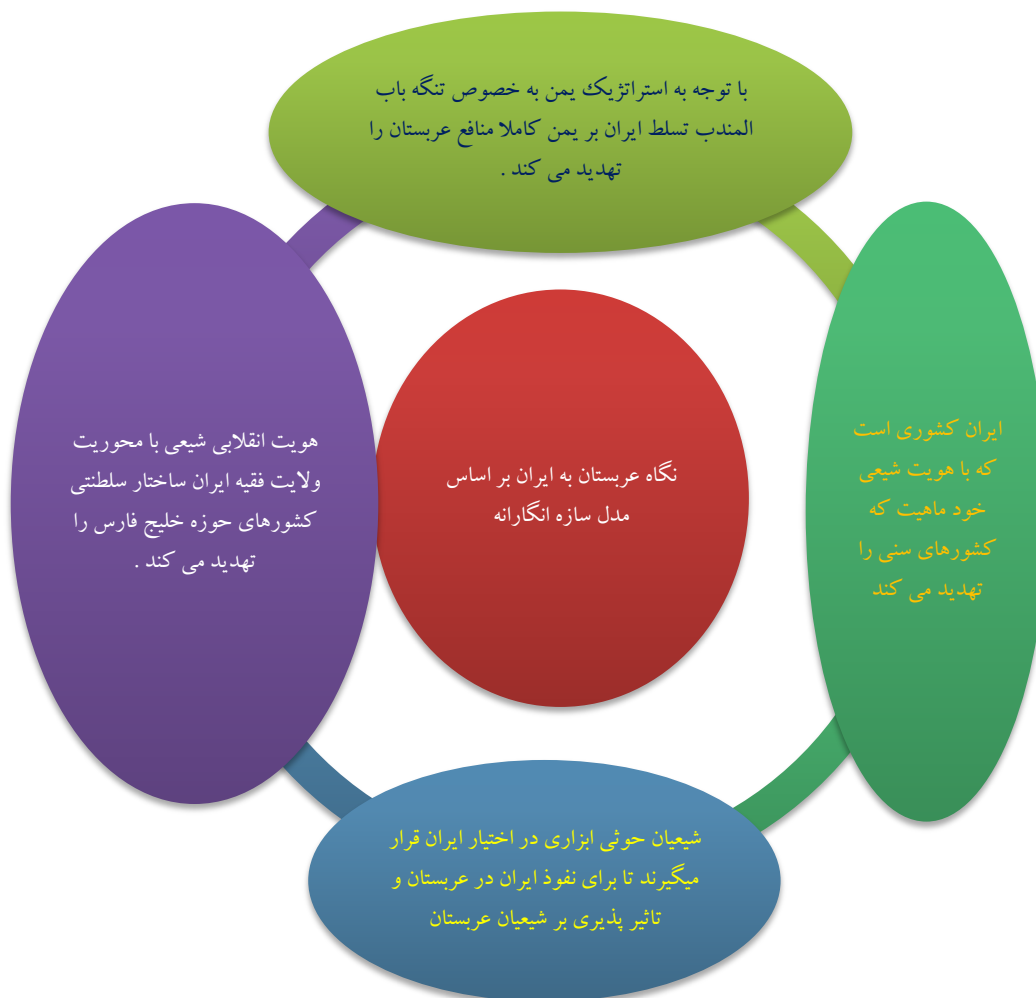
چارچوب نظری

نظریه سازه انگاری که در انتقاد به نظریات مادی گرایی روابط بین الملل علی الخصوص واقع گرایی مطرح شد و بر محور هستی شناسی قرار می گیرد. در واقع محور و کانون اصلی سازه انگاری هستی شناسی است. در واقع سازه انگاران بر این نکته تاکید دارند در کنار عوامل مادی، نباید نقش هویت، ارزش ها و انگاره ها را فراموش کرد.

به عبارت دیگر سازه انگاری بر ابعاد مادی و غیر مادی حیات اجتماعی تاکید دارد. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵) در واقع از دیدگاه سازه انگاران کشورها با معانی و انگاره ها دارای هویت می شوند. به عبارت دیگر کنشگران در معانی جمعی هویت کسب می کنند و این هویت به عنوان خصوصیت کنشگران بین المللی گرایش های انگیزشی و رفتاری آن ها را بوجود می آورد. (wendt 1999:229)، در واقع سازه انگاران همانند مکتب انگلیسی نظام بین الملل را جامعه ای می دانند که مرکب از کنشگران اجتماعی در حال تعامل با یکدیگر هستند و تعامل آن ها نیز بر مبنای قواعد و هنجارهایی است که به طور بیناذهنی شکل گرفته است. (kubalkova , 2001) سازه انگاری از جمله نظریاتی دارای هستی شناسی ضد ماتریالیستی است که با رویکرد انتقادی معتقد است رویکردهای خرد گرا به دلیل کم توجهی عنصر فرهنگ و مجموع انگاره ها در تحلیل مسائل پیرامون دچار نقصان می شود و برای تفسیری جامع از عرصه بین الملل باید انگاره ها، قواعد، هنجارها و فرهنگ را نیز دخیل دانست. (lupovici,2009: 18)

روی هم رفته سازه انگاری با هستی شناسی معناگرایانه انتقادی و معرفت شناسی اثبات گرایانه، روندی متفاوت به نظریات پیشین داده است. بدین صورت با فاصله گیری از دیدگاه مادی - عینی گرا و علمی - فرد گرایی و همچنین دوری از مشی فلسفی و ذهنی روندی انتقادی در پیش گرفت و اذعان کرد که بایستی در کنار ساختارهای مادی به ساختارهای معرفتی نیز توجه شود. (شفیعی و رضایی، ۱۳۹۱: ۸۱) بنابراین می توان گفت از دیدگاه سازه انگاران در کنار عوامل مادی، عوامل غیر مادی نظیر فرهنگ، ارزش، ایده ها و هویت های کنشگران دارای نقش بسیاری است. بر اساس نظریه سازه انگاران ایران با تکیه بر عوامل غیر مادی یعنی ارزش ها نظیر گسترش ایدئولوژی شیعی و دفاع از مظلومان در منطقه خاورمیانه و کاهش دشمن هراسی و همچنین عوامل مادی یعنی جلوگیری از نفوذ عربستان، اسرائیل و سعی در کاهش تنش با همسایگان و ایجاد ارتباطات اقتصادی و سیاسی با کشورهای منطقه سیاست خارجی خود را در منطقه حساس خاورمیانه تنظیم کرده است. به همین خاطر می بینیم که ایران در مناطقی نظیر لبنان، بحرین و یمن بسیار فعال است و سعی دارد از جنبش های شیعی حمایت کند. از طرف دیگر با توجه به شکل گیری گروهک های بنیادگرای اسلامی نظیر داعش و القاعده و همچنین نقش عربستان سعودی در شکل گیری سلفی گیری وهابی سنی در خاورمیانه، حمایت از جنبش های شیعی یکی از اولویت های اساسی سیاست خارجی ایران است.

بنابراین می توان بر اساس نظریه سازه انگاران مدلهای زیر را در تقابل سیاست های ایران و عربستان را در یمن را طراحی کرد:



نمودار ۱- نگاه عربستان به سیاست‌های ایران در یمن با تکیه بر نظریه سازه انگاری (انگاره‌ها، ارزش‌ها و عوامل مادی)



نمودار ۲- نگاه ایران به عربستان با تکیه بر مدل سازه انگاری

در این پژوهش ما ابتدا سعی می کنیم به مهمترین عوامل مادی و انگاره‌ها در سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران در یمن بپردازیم؛ سپس دیدگاه ایران را طبق مدل سازه انگارانه بررسی کنیم و در پایان نتیجه‌گیری لازم را انجام بدهیم.

الف) عربستان:

۱- موقعیت استراتژیک یمن:

یمن در جنوب شبه جزیره عربستان قرار گرفته است و مرزهای طولانی با عربستان دارد. از طرف دیگر به خاطر موقعیت استراتژیک یمن، این کشور همیشه برای عربستان مهم بوده است. لذا از دیدگاه رهبران عربستان، یمن خط قرمز عربستان محسوب می‌شود و باید به هر نحو اجازه نداد پای قدرت‌های منطقه‌ای و بین المللی در یمن باز شود. از دیدگاه عربستان تنها قدرتی که قصد

دارد در یمن مداخله کند؛ جمهوری اسلامی ایران است. در واقع این کشور به لحاظ اشراف بر شاخ آفریقا و امکان کنترل تحرکات این منطقه و نیز سواحل شرقی آفریقا از طریق مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سوکاترا اهمیت استراتژیک خاصی دارد. اشراف این کشور بر تنگه باب المندب نیز از نظر تامین انرژی و ترانزیت کالا، اهمیت مضاعفی به این منطقه داده است. در واقع درصد زیادی از رفت و آمدی که در کانال سوئز صورت می‌گیرد، از باب المندب هم می‌گذرد. پس به همان میزانی که کانال سوئز اهمیت دارد، باب المندب نیز مهم است. اهمیت تنگه باب المندب برای تمامی کشورهای ساحل دریای سرخ از نظر ترانزیت کالا و تسلیحات حائز اهمیت است. (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۰۳) بخش جنوبی یمن در شمال غربی و شمال شرقی باب المندب قرار گرفته و این تنگه بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب می‌باشد. (غلامعلی سلیمانی، منابع اینترنتی). بنابراین با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک یمن و آن هم در هم مرزی عربستان، دولت سعودی یمن را حیات خلوت خود تعریف کرده است و و قصد دارد چهارچوب گفتمانی هویتی خود (سلفی - وهابی) را در یمن هم ایجاد کند و دولتی هم راستا با سیاست خود در یمن سر کار بیاورد.

۲- وجود شیعیان حوثی :

یکی از مهمترین مسائل ارزشی و هنجاری در سیاست خارجی عربستان در یمن به مسئله شیعیان زیدی و جنبش حوثی‌ها برمی‌گردد. عربستان به دو دلیل نسبت به این مساله نگران است. اول به این دلیل که اعتقاد دارد ایران به دنبال ایجاد لبنان دیگری در هم مرزی با عربستان است. و دوم ترس از تأثیرگذاری شیعیان یمن بر شیعیان کشور خودش است. رهبری جریان زیدی در یمن با جنبش الحوثی است. نام این تشکیلات برگرفته از نام حسین بدرالدین الحوثی فرزند علامه بدرالدین الحوثی است حسین حوثی بنیانگذار جنبش انقلابی شیعیان یمن بود که در سال ۱۹۹۱م در تأسیس حزب حق نقشی تعیین کننده داشت. و پس از مدتی و در سال ۱۹۹۷ م جنبش جوانان مؤمن را پایه گذاری کرد. سید حسین در درگیری با ارتشیان یمن سال ۲۰۰۴ م با ارتشیان یمنی و پس از سه ماه مقاومت به شهادت رسید. (خضری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۷ تا ۲۰۷) باور ارزشی عربستان سعودی، حوثی‌ها را متحدان بالقوه ایران می‌دانند و قدرت‌گیری آن‌ها در یمن را مکمل هلال شیعی می‌دانند. (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۵۳-۲۷۰) زمانی که شیعیان حوثی موفق شدند صنعا را تصرف کنند و منصور ربه هادی رئیس جمهور فرار کرد، عربستان خطر را احساس کرد که با قدرت رسیدن شیعیان حوثی، رد پای ایران در مرزهای عربستان ایجاد شود، به همین خاطر آخرین تجلی ائتلاف سازی در سیاست خارجی عربستان را می‌توان در قالب عملیات طوفان قاطعیت مشاهده کرد. که در سال ۲۰۱۵ به سبب حمایت از هادی منصور، رئیس جمهور مستعفی یمن، با حملات گسترده هوایی علیه یمن انجام شد. اعضای این ائتلاف را کشورهای قطر، کویت، امارات، بحرین، مصر، سودان، مراکش و اردن تشکیل می‌دهند. که با محوریت و فرماندهی سعودی‌ها حملات خود را آغاز کردند. به نظر می‌رسد دلیل اصلی ورود عربستان به بحران یمن، تشدید نگرانی دولت سعودی از به هم خوردن موازنه نیروها در منطقه، به ویژه در یمن و تسری خیزش‌های مردمی به درون عربستان بوده است. (سیفی و ناصر پور، ۱۳۹۵: ۸۳-۱۰۸) یمن پرونده دیگری است که عملاً نشان از تقابل هویتی ایران و عربستان سعودی می‌دهد. انصارالله یمن به شکل بی‌سابقه‌ای و با روش و الگوی حزب الله لبنان تلاش کرده تا از منظر راهبردی و هویتی به اهرم فشار ایران علیه سیاست سعودی در جنوب شبه جزیره تبدیل شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۶۰)

بنابراین از دیدگاه عربستان سعودی، ایران به دنبال حوزه نفوذ خود در یمن است و مهم‌ترین ابزار برای تاثیرگذاری ایران در یمن شیعیان حوثی است؛ که هم ایران می‌تواند در گسترش هلال شیعی خود در یمن بپردازد. و هم با روی کار آمدن دولتی متمایل به خود از آنجا پایگاهی بسازد تا در عربستان و دیگر کشورهای منطقه نفوذ کند. و با توجه به اینکه شیعیان عربستان در هم مرزی با شیعیان یمن قرار می‌گیرند ایران یک کمر بند امنیتی به دور عربستان می‌کشد. لذا عربستان باید به طریق ممکن با جنبش شیعیان حوثی و انصارالله برخورد کرد. و اگر در یمن برابر ایران کوتاه بیاید آنگاه در خود عربستان و بقیه کشورها دست و نفوذ ایران را خواهد دید؛ در همین راستا برای سرکوبی جنبش حوثیان عملیات نظامی طوفان قاطعیت در یمن را شروع کرد، که در یک ائتلاف بین المللی به رهبری خودش که کشورهایی چون قطر، کویت، امارات و بحرین همراهی کردند و کشورهایی چون سودان، مراکش، مصر و اردن به عربستان تسلیحات نظامی کمک کردند، شروع به بمباران هوایی مواضع شیعیان حوثی پرداخت.

۳- مخالفت عربستان با هرگونه حرکت دموکراسی :

اگر ما ذهن مقامات سعودی را بتوانیم حدس بزنیم؛ در انگاره‌های مقامات سعودی این فرضیه شکل گرفته که هر حرکتی در خاورمیانه که منجر به سقوط نظام پادشاهی شود باید در نطفه خفه شود. زیرا مقامات سعودی معتقدند سقوط هر نظام پادشاهی و تک نفره‌ای در دنیای عرب خطری برای عربستان سعودی محسوب می‌شود. در دنیای باورها و ارزش‌های مقامات سعودی، ایران کشوری است که تصمیم دارد با کمک شیعیان حوثی، یک نظام شیعی در همجواری عربستان ایجاد کند. به عبارت دیگر حکومت عربستان سعودی بنا به ماهیت استبدادی و سنتی خود شکل‌گیری هر گونه دموکراسی در منطقه را تهدیدی برای امنیت خود تلقی می‌کند. در این میان با توجه به مجاورت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی شکل‌گیری جوانه‌های دموکراسی در یمن تهدیدی جدی برای حکومت آل سعود تلقی می‌شود. بر این اساس یکی از مهمترین راهبردهای عربستان سعودی در یمن متوقف کردن روندهای دموکراتیک می‌باشد. (علی خرم، ۱۳۹۰: ۴۸) و زمانی هم که با شروع بهار عربی، نسیم این بهار هم به یمن رسید؛ مهمترین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی عربستان در قبال تحولات اخیر اینگونه بود:

الف) عدم شکل‌گیری دموکراسی در یمن

ب) جلوگیری از سرعت گرفتن تحولات و تلاش برای مدیریت و کنترل آن.

ج) حفظ ساختار حکومت یمن و تلاش برای به قدرت رساندن افراد و جریانات وابسته.

د) کاهش نفوذ شیعیان حوثی و جریانات نزدیک به ایران. (نیاکونی، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۳۹)

۴- وجود القاعده یمن :

اگر بخواهیم به ریشه‌های شکل‌گیری القاعده توجه کنیم باید به حضور نیروهای شوروی در افغانستان اشاره داشته باشیم. به عبارت دیگر ریشه‌های القاعده در یمن به زمان جنگ شوروی - افغانستان از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ باز می‌گردد. یمن پس از عربستان سعودی دومین منابع عمده تأمین مبارزان اسلام‌گرا علیه شوروی در افغانستان بود. هزاران یمنی در افغانستان در آن دوره مبارزه کرده و در کمپ‌های القاعده آموزش دیدند. با پایان جنگ افغانستان که همزمان با وحدت یمن صورت گرفت مبارزان یمنی به کشور خود بازگشتند. در این دوره با دگرگونی موضع القاعده از همکاری با ایالات متحده در افغانستان تا رویارویی با آن پس از جنگ ۱۹۹۱، آزاد سازی کویت، ستیزه جویان یمنی القاعده نیز مبارزه را با آمریکا را سرلوحه خود قرار دادند. (Dwyer, 2010) می‌توان گفت بعد از اینکه القاعده در عراق تا حدی ناکام بود توجه خود را به سمت منطقه قبیلگی یمن معطوف کرد. کاهش

فعالیت القاعده در عراق به خصوص پس از تاسیس شوراهای بیداری و مقابله با عشایر سنی مذهب عراق با القاعده موجب شد ستیزه جویان این سازمان در جستجوی فضاهاى تازه مجدداً متوجه موقعیت و فضای سیاسی و اجتماعی مناسب یمن شوند. به باور بسیاری از ناظران پس از پاکستان و افغانستان دو نامزد اصلی فعالیت‌های آینده القاعده یمن و نیز سومالی می‌باشد. (Cordesman , 2010) در واقع با ورود القاعده به یمن، با توجه به فقر فزاینده و انواع مشکلات اقتصادی در این کشور یک پتانسیل بسیار مناسب جذب نیرو برای القاعده فراهم شد. که علی عبدالله صالح رئیس جمهور وقت یمن همیشه با توجه به وجود القاعده در این کشور هم کمک‌های بین المللی و هم جامعه جهانی را توانست جلب کند. بعد از خروج علی عبدالله صالح و قدرت‌گیری حوثیان و در نهایت فرار منصور ربه هادی و حمله عربستان و متحدان عربش به یمن، القاعده هم توانست با توجه به این وضعیت فضای فعالی در یمن برای خود فراهم کند. می‌توان گفت هویت سلفی یکی از ارزش‌های عربستان سعودی است که سیاست خارجی او را به سمت حمایت از جنبش‌های سلفی می‌کشاند.

به عبارت دیگر سلفی‌گری یکی دیگر از ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی دولت و ملت عربستان است که تاثیر زیادی بر رویکرد و ادراک آن‌ها نسبت به جمهوری اسلامی ایران دارد. اگر چه عنصر عربیت و ویژگی مشترک هویتی همه کشورهای عربی محسوب می‌شود اما سلفی‌گری ویژگی خاص دولت عربستان سعودی است. (منصوری مقدم، ۱۳۹۱) در همین راستا به نظر می‌رسد عربستان در برابر القاعده یمن هم به نوعی کمک می‌کند تا هم ابزاری در اختیارش در سیاست منطقه‌ای او در یمن باشد و هم بتواند در برابر حوثیان شیعی مورد حمایت ایران یک نیروی متعادل کننده بوجود بیاورد. هر چند که در پایان این قسمت ذکر این نکته ضروری است که وجود القاعده یمن آسیب‌زا برای عربستان هم خواهد بود. و القاعده و بقیه جنبش‌های سلفی هر چند از عربستان کمک مالی دریافت میکنند ولی خطری هم برای این کشور محسوب می‌شوند.

ب) ایران

از آن جا که نظام جمهوری اسلامی ایران هویت خود را با گفتمان نظام شیعی به محوریت ولایت فقیه تعریف کرده است، لذا دفاع از جنبش‌های شیعی در سراسر دنیا را به هویت خود گره زده است. به همین خاطر در انگاره‌های ذهنی مقامات تهران، عربستان کشوری است که در یمن به دنبال از بین بردن هویت شیعی و جایگزینی آن با هویت سلفی - وهابی است. و همچنین در بقیه کشورهای شیعه نشین مثل بحرین و عراق و لبنان نیز همین سیاست را دنبال می‌کند. به عبارت دیگر سعودی‌ها سال‌ها با تکیه بر سیاست هویتی مشخص جامعه یمن را سلفی‌زا کردند. آن‌ها طبق آرمان وهابیت تلاش کردند تا جامعه و سیاست در یمن را به سمت گفتمان سلفی - وهابی هدایت کنند. (ابراهیمی، پیشین) عربستان با رواج وهابیت در کشور خود سعی در سرکوب و مقابله با شیعیان را داشته و همواره در بیم است تا مبادا شیعیان بحرین نیز در عربستان نفوذ پیدا کنند. اقدامات عربستان در بمباران مناطق شیعه نشین در یمن و انجام یک جنگ نیابتی و مداخله جویانه در سیاست‌های کشورهای مسلمان عرب مانند بحرین و یمن در راستای همین سیاست است. (شیرازی و طبائی زواره، ۱۳۹۲: ۳۷-۷۶).

در واقع در تفکر وهابیت شیعه یک فرقه انحرافی است که باید از بین برده شود. بنابراین وهابیت عربستان با شیعیان زیدی در یمن مشکل هویتی دارد. به عبارت دیگر یکی دیگر از انگاره‌های فرهنگی مذهبی خاص جامعه عربستان سعودی که ناشی از تفکر مذهبی آن‌هاست تکفیرگرایی و جهاد با کافران و بدعت‌گرایان است. که این تیمه آن را در آغاز دعوت خویش پردازش کرد. (منصوری، ۱۳۹۱: ۷۷-۹۹) در واقع نگاه وهابیت به شیعه نگاهی حاکی از کینه است که معتقد است کشتن یک شیعه، از کشتن یک کافر ثوابش بیشتر است. (موسوی و بخشی تلیابی، ۱۳۹۱: ۶۱-۹۹)

از طرف دیگر عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به ویژه در میان شیعیان است. و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. در واقع مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیکترین همسایه‌های خود یعنی بحرین و یمن از مهم‌ترین

اهداف عربستان در منطقه است. عربستان در سال‌های گذشته در چارچوب رقابت ایران بر سر برتری منطقه‌ای به شدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و بحرین و تشکیل آنچه که با عنوان هلال شیعی نامیده می‌شود نگران بوده و تلاش کرده است که این نفوذ را مهار کند. بنابراین با قدرت‌گیری انصارالله در یمن به شدت احساس خطر کرده است. به همین دلیل عربستان سعودی برای از بین بردن قدرت حوثی‌ها و تضعیف یا مقابله با نفوذ ایران در منطقه، دست به لشکرکشی و جنگ زده است. در واقع عربستان قدرت‌گیری شیعیان زیدی در یمن را همانند افزایش قدرت‌های منطقه ایران تعبیر می‌کنند. (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۷۹)

بنابراین از دیدگاه ایران هویت سلفی - وهابی عربستان کاملاً در تقابل با هویت شیعی ولایت فقیه قرار می‌گیرد. که هر کدام از این هویت‌ها بر اساس انگاره‌ها و ارزش‌های مختلفی قرار گرفتند. و ایران معتقد است عربستان با حمایت مالی و تسلیحاتی از جنبش‌های سلفی به دنبال تضعیف دولت‌ها و جنبش‌های شیعی در دنیای اسلام است. که در یمن عربستان تلاش می‌کند تا آنجا که می‌تواند شیعیان را تضعیف کند و جنبش انصارالله را از بین ببرد. و این مساله کاملاً با هویت شیعی ایران که خود را متعد از جنبش‌های شیعی می‌بیند در تعارض قرار می‌گیرد. و ایران را خود را متعهد می‌داند از جنبش انصارالله و حوثیان حمایت کند.

جدول ۱- تفاوت و تقابل نگاه ایران و عربستان در یمن :

عربستان	شیعیان حوثی	موقعیت استراتژیک یمن	هویت و انگاره‌ها
عربستان	از نظر عربستان شیعیان حوثی ابزار دست و ستون پنجم ایران هستند. و ایران قصد دارد از طریق شیعیان حوثی در یمن نفوذ پیدا کند. و از طریق یمن بر شیعیان عربستان تاثیر بگذارد و سپس به دخالت در عربستان بپردازد.	عربستان یمن را به طور تاریخی به عنوان حیات خلوت خود تعریف می‌کند. و از طرف دیگر عربستان به خاطر موقعیت استراتژیک یمن کاملاً یمن را خط قرمز خود تعریف کرده است. و با هرگونه نفوذ قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی در یمن برخورد می‌کند.	از نظر عربستان ایران نظامی است که به دنبال ایجاد هلال شیعی در دنیای اهل تسنن است. و به صورت دومینو به دنبال احیای حکومت‌های شیعی در کشورهای چون عراق، لبنان، سوریه، بحرین و یمن است. در واقع از دیدگاه عربستان ایران با هویت شیعی خود نظام‌های عربی را هدف قرار داده و قصد از بین بردن آن‌ها را دارد.
ایران	از نظر ایران دولت یمن در تقسیم قدرت امکانات شیعیان را در نظر نگرفته است. و این وضعیت باید تغییر کند. و شیعیان هم در معادلات قدرت نقش داشته باشند. از طرف دیگر ایران با حمایت از شیعیان قصد دارد حوزه نفوذ وهابیت را در عربستان کم کند.	ایران معتقد است در یمن می‌تواند به خاطر وجود شیعیان و جنبش انصارالله، حزب الله دیگری ایجاد شود. که به عنوان بازوی ایران در همسایگی عربستان باشد.	از نظر ایران عربستان با هویت وهابی - سلفی خود اصولاً شیعه را نمی‌پذیرد. در واقع نه تنها نمی‌پذیرد بلکه طبق هویت وهابی - سلفی شیعه کافر است که باید خونس به هر طریق ممکن ریخته شود. و از طرف دیگر عربستان با حمایت جنبش‌های سلفی قصد ضربه زدن به ایران و متحدان او را دارد.

نتیجه‌گیری

در بحبوحه جنگ سرد، ایران و عربستان به عنوان دو بال ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه بودند. با توجه به نزدیکی ایران به اتحاد جماهیر شوروی به عنوان دشمن درجه یک نظام سرمایه داری، اهمیت ایران در سیاست خارجی آمریکا به مراتب بالاتر از عربستان بود. به طوری که در سیاست دو ستونی نیکسون - کسینجر، ایران نقش ژاندارم منطقه را برعهده گرفت. بنابراین با توجه به

اختلافات ایران و عربستان در مسئله اسرائیل و همچنین مساله شیعه و سنی به خاطر اتحاد دو کشور با آمریکا در برابر خطر اتحاد شوروی، در واقع دو کشور مواضع نزدیک به هم اتخاذ کرده بودند. ولی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ همه این معادلات را بهم زد. از دل انقلاب اسلامی یک نظام دینی شیعی با محوریت فقیه تشکیل شد که به دنبال صدور ارزشهای انقلاب خود هم بود. پیروزی انقلاب ترسی شدید در نظام‌های سنتی عربی به وجود آورد. و هویت شیعی ایران را خطری برای خود احساس می‌کردند. عربستان سعودی به خاطر قابلیت‌هایی چون خادمین حرمین شریفین، وجود مخازن عظیم نفتی، همراه مصر جایگاه ممتاز در دنیای اسلام و جوامع عرب داشت و دارد. به همین خاطر در انگارها و ذهن‌های مقامات سعودی، هویت شیعی ایران کاملاً خطری برای هویت سنی اعراب و بخصوص هویت سلفی - وهابی عربستان است. لذا تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در تقابل با خطرات انقلاب اسلامی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس ایجاد شد. با شروع جنگ ایران و عراق، کشورهای عربی و عربستان علی‌رغم اختلافات شدیدی که با عراق داشتند و صدام را خطری بالقوه می‌دانستند ولی پشت او قرار گرفتند و سخاوتمندانه کمک‌های مالی فراوانی به عراق کردند.

عربستان هویت خود را بر پایه وهابی - سلفی تعریف می‌کند. بنابراین خود را متعهد می‌داند اندیشه‌های سلفی را گسترش بدهد. و چون از دید عربستان هویت شیعی ایران در تقابل با هویت سلفی قرار می‌گیرد. باید کاملاً با اندیشه‌های شیعی و جنبش‌های شیعی مقابله کرد و از طرف دیگر از تمام جنبش‌های سلفی حمایت مالی و نظامی کرد لذا شیعیان زیدی، جنبش حوثی‌ها و جبهه انصارالله در یمن از دیدگاه عربستان یک خطر محسوب می‌شود. زیرا در ذهن مقامات سعودی، ایران پشت حرکت حوثیان است و به دنبال نفوذ در یمن و از طریق یمن به دنبال نفوذ در عربستان است و باید دو برابر این جنبش با تمام قوا ایستاد. از بعد دیگر به خاطر سابقه تاریخی نفوذ عربستان در یمن، به نوعی حیات خلوت دولت سعودی محسوب می‌شود و از طرف دیگر موقعیت سوق الحیثی یمن و وجود تنگه استراتژیک باب المندب، نباید اجازه نفوذ ایران در یمن را داد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دفاع از مظلومان و جنبش‌های اسلامی و علی‌الخصوص جنبش‌های شیعی در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گرفت. ایران هویت خود را بر پایه اسلامی - شیعی تعریف کرد و سعی کرد نقش پررنگی در دنیای اسلام پیدا کند. ولی از همان پیروزی انقلاب هویت شیعی ایران کاملاً در تقابل هویت سنی دنیای اسلام و علی‌الخصوص هویت سلفی - وهابی عربستان قرار گرفت و علی‌رغم همکاری‌های ایران و عربستان در مقاطعی ولی تقابل هویت شیعی و سلفی - وهابی بسیار پررنگ‌تر بود. لذا جنگ سردی بین ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه و دنیای اسلام شروع شد که هر کدام خود را متعهد به این مساله می‌دیدند از جنبش‌های شیعی و سلفی حمایت کنند. یمن با وجود طیف کثیری از شیعیان از زیدی‌ها تا دوازده امامی می‌توانست کاملاً به هویت شیعی ایران در گسترش اندیشه‌ها و تفکرات خود کمک کند و لبنان دومی برای ایران باشد. از طرف دیگر یمن با وجود هم‌مرزی با عربستان و موقعیت استراتژیک خود کاملاً می‌توانست به حوزه نفوذ ایران در منطقه حساس شبه جزیره عربستان کمک کند. لذا با توجه به مدل نظری سازه انگارانه عوامل مادی نظیر موقعیت استراتژیک یمن و مسائل عقیدتی یعنی هویت شیعی - سلفی با توجه به وجود شیعیان حوثی و دو هویت کلان شیعی ایران و سلفی - وهابی عربستان باعث تقابل ایران و عربستان در یمن شد. که یکی از دولت عبدالربه منصور هادی رئیس‌جمهور فراری یمن حمایت کرد و دیگری پشت سر حوثی‌ها قرار گرفت. یکی از نکات کلیدی که باید در نتیجه‌گیری به آن پردازیم این است که جنبش انصارالله یمن می‌تواند یک بال دیگر نظیر حزب الله لبنان در منطقه استراتژیک یمن باشد. در واقع جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بسیاری از سیاست‌های خود را در منطقه بدون اینکه نیاز به دخالت مستقیم باشد از طریق متحدان خود نظیر حزب الله لبنان و انصارالله یمن انجام دهد. لذا حزب الله خط مقدم ایران در برابر سیاست‌های اسرائیل است. جنبش حوثیان یمن هم می‌تواند بال دوم متحد ایران در سیاست خارجی

منطقه‌ای ایران باشد. همچنین باید به القاعده و فعالیت گسترده آن در یمن نیز اشاره داشت. در واقع با توجه به حیطه گسترش جنبش‌های اسلام سلفی در کشورهای اسلامی، یمن نیز همیشه یکی از پایگاه‌های مناسب القاعده بوده است. در واقع یمن با توجه به فقر اقتصادی که مردم آن دچار هستند می‌تواند پتانسیل بسیار مناسبی برای جذب نیرو و گسترش فعالیت‌های القاعده در یمن شود. از طرف دیگر آن طور که مشخص است عربستان سعودی پیرو ایدئولوژی وهابیت خود همیشه یکی از مدافعین مالی و لجستیکی جنبش‌های سلفی است. بالاخص در کشور یمن با توجه به وجود گروه کثیری از شیعیان، القاعده می‌تواند نقش یک بالانس در حمایت از سیاست‌های عربستان در این کشور باشد. لذا تعجب آور نیست که عربستان پشت پرده از القاعده یمن حمایت کند. اما نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است این است که با توجه به رسالت مبارزه جهانی با کفار که القاعده آن را مطرح می‌کند می‌بینیم که آمریکا همیشه از یمن به عنوان پایگاه امنی برای القاعده که دیگر کشورها را بی‌ثبات می‌کند نام می‌برد می‌توان گفت در این زمینه با متحد خود یعنی دولت سعودی اختلافاتی دارد. همچنین نباید این مساله را فراموش کنیم که القاعده یمن می‌تواند برای خود ملک سلیمان و رژیم او نیز خطرناک باشد. از طرف دیگر ایران به خوبی می‌داند با تقویت پایگاه و جایگاه جنبش انصارالله و شیعیان حوثی در ساختار سیاسی یمن می‌تواند القاعده را به نوعی در یمن تضعیف کند. همچنین در اینجا لازم است به کشور قطر نیز اشاره‌ای داشته باشیم. به نظر می‌رسد قطری‌ها مدتی است سعی دارند سیاست مستقلی از عربستان سعودی در معادلات منطقه‌ای بگیرند. در واقع به پشتوانه ثروت عظیم خود که از فروش نفت و گاز بدست می‌آید و از طرف دیگر گسترش شبکه الجزیره یمن به زبان‌های مختلف در سراسر دنیا و اعتماد مردم عرب زبان به الجزیره عربی، همچنین میزبانی جام جهانی فوتبال به عنوان یکی از بزرگترین رویدادهای ورزشی در سال ۲۰۲۲، باعث شده قطر احساس کرده می‌تواند مانند قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران، عربستان، ترکیه و مصر نقش فعالی بازی کند. لذا می‌بینیم که از اخوان المسلمین و دولت محمد مرسی حمایت کرد بر خلاف عربستان که حامی سبسی بود. به طالبان در دوحه دفتر داد. و همچنین عربستانی‌ها قطری‌ها را متهم می‌کردند که از پشت دارد به کشورهای سنی عرب برادر خود خنجر می‌زند و به شیعیان حوثی کمک مالی و نظامی می‌کند. علی‌رغم اینکه در عملیات طوفان قاطعیت به رهبری عربستان با حوثیان می‌جنگد ولی پشت پرده به حوثیان کمک مالی و نظامی می‌کند. بنابراین با توجه به تنش‌ها که بین قطر و عربستان سعودی ایجاد شده است ایران می‌تواند با دیپلماسی منطقه‌ای خود نقش میانجی داشته باشد که هم بتواند در جبهه کشورهای عربی به رهبری عربستان اختلاف ایجاد کند و ایران هراسی را از بین ببرد و هم با جذب یمن به عنوان یک متحد مهم از پتانسیل قطر برای اجرای سیاست‌های منطقه‌ای خود استفاده کند. که یکی از این موارد یمن است که قطر می‌تواند کمک بزرگی به حوثیان و جنبش انصارالله یمن باشد. بنابراین در پایان لازم است گفته شود با توجه به تنگه استراتژیک باب المندب که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند و از این طریق یک پیوند استراتژیک بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند ایجاد می‌شود وجود شیعیان حوثی و جنبش انصارالله، خطر القاعده ایران می‌بایست نقش فعالی در یمن بازی کند. و از طرف دیگر عربستان می‌داند اگر یمن را از حوثیان نگیرد برای امنیت خود علی‌الخصوص در مناطق شیعه نشین خود به مشکل برمی‌خورد. لذا از القاعده یمن حمایت می‌کند و از طرف دیگر عملیات طوفان قاطعیت را برای مبارزه با حوثیان در یمن شروع کرده است.

منابع

منابع فارسی:

- ابراهیمی، نبی الله (۱۳۹۴)، «سلفیه وهابی؛ تمایزات هویتی عربستان سعودی و ایران»، سال شانزدهم، شماره سوم.
- خرم، علی (۱۳۹۰)، «شورش در حیات خلوت»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۸.
- خضری، احسان و صفوی، سید حمزه و پرهیزکار، امین (۱۳۹۴)، «ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان (مطالعه موردی سه کشور عراق - بحرین - لیبی)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره بیست و سوم.
- سلیمانی، غلامعلی، «واکاوی تحولات اتی انقلاب یمن»، برگرفته از سایت اینترنتی به آدرس: Irdc.ir/fa/content/15005/
- سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر (۱۳۹۵)، «موازنه همه‌جانبه و ائتلاف‌سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، شماره بیست و ششم.
- شفیع، نوذر و رضایی فاطمه (۱۳۹۱)، «نقد و ارزیابی نظریه‌ی سازه‌انگاری»، مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، سال اول، شماره چهارم
- شیرازی، ابوالحسن و مظلوم طبائی زواره، سید رضا (۱۳۹۲)، «کالبد شکافی انقلاب صورتی در یمن و نقش عربستان در سرکوب آن»، دوره ۶، شماره ۲۱.
- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۱)، «مؤلفه هویت و تاثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۷۲.
- موسوی، سید محمد و بخشی تلپایی، رامین (۱۳۹۱)، «تأثیر مسائل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره یازدهم.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱)، کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۰)، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم.
- نجات، سید علی و موسوی، سیده راضیه، صارمی، محمد رضا (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، سال نهم، شماره ۳۳.

منابع لاتین:

- cordesman , anthonyh. (jan5 , 2010) "the new war on terrorism 'csis , <http://csis.org/publication/new-war-terrorism> .

- Dwyer,david , (jan 5 , 2010) , " experts yemen near – perfect haven for terrorists " , ABC news .
- Lupovici ,A, (2009), constructivism methods: a plea and manifesto British International studies Association
- Houghton , p (2007) Reinvigorating the study of foreign policy Decision making: toward a constructivist approach , foreign policy Analysis Vol 31 , 24- 45
- Kubalkova , v (2001) foreign policy International politics and constructivism, in vendulka Kubalkova , foreign policy in a constructed world. Armonk , NY: M.E. sharpe , 15-37
- Wendt , A. (1999) , social theory of International politics , Cambridge: Cambridge university press.